

آ.ث. میلان و حرکت گواردیولایی

با شروع فصل جدید، آگري ديگر آن فرد غريبه سال گذشته نبود...



با شروع فصل جديد، آگري ديگر آن فرد غريبه سال گذشته نبود
آ.ث. میلان و حرکت گواردیولایی

جام جم آنلاین: قهرمانی‌های گواردیولا همراه با بارسلونا سبب‌ساز شیوع يك اپیدمی در سطح مدیران فوتبال در سراسر جهان شد که از آن با نام #171;تب گواردیولا» یاد می‌کنند و آن به معنای سپردن سکان هدایت تیم‌ها به مربیان کم‌تجربه، اما #171;توانمند» است که تنها نیازمند کمی اعتماد برای بروز استعدادهايشان هستند.

در عرض 3 سال اخير چه در تیم‌های بزرگ و کوچک اروپایی و چه حتی در وطن خودمان شاهد این پدیده بوده‌ایم و در غالب موارد، آنچه خواست مدیران بوده لزوما برآورده نشده است. یکی از آخرین این تب‌ها، سپردن سکان هدایت 2 تیم پرتعداد ایتالیایی به مربیان جوان و کم‌تجربه بوده که برای یکی قهرمانی و برای دیگری درخشش در نخستین گام را همراه داشته است. در این بخش ابتدا روند حرکتی آگري در میلان و سپس حضور آنتونیو کونتته در کنار بانوی پیر را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

مدافع

ماسیمیلیانو آگري، مدافع سابق در 11 اگوست 1967 در شهر لیورنو، واقع در شمال غرب ایتالیا به دنیا آمد. دوران شروع فوتبالی وی را باید از حضور در تیم زادگاهش بررسی کرد و پس از انحلال موقت باشگاه در سال 1991، وی راهی شرق شد تا بخت خویش را در تیم پسکارا که در آن زمان در سری B توپ می‌زد، بیازماید. بازی‌های درخشان وی و هم‌تیمی‌هایش سبب شد تا آنها در فصل 93 - 1992 به سری A صعود کرده و آگري برای خود نامی دست و پا کند، اما با سقوط مجدد تیم به دسته پایین‌تر، وی که مورد توجه کارلو ماتزونه، سرمربی کالیاری قرار گرفته بود، راهی جزیره سارونی شد تا 2 فصل بعدی را در آنجا بگذراند. هر چند که همزمان با ورود وی، ماتزونه راهی پایتخت شد تا هدایت رم را برای 3 فصل به دست بگیرد. حضور آگري در کالیاری چندان موفق نبود و در عرض 2 فصل، او تنها توانست در 46 دیدار به میدان برود. همین باعث شد تا تیم پروجا به وی پیشنهاد حضور داده و او راهی سری B شود، اما در فصل بعد (1996) آنها به سری A صعود کرده و باز هم ماسیمو توانست يك فصل ديگر در سطح نخست فوتبال کشور بازی کند، اما با سقوط مجدد تیم، او این بار راهی پادوا شد تا سال‌های بعد را در ناپولی (تنها 7 بازی)، برشا (2000 - 1998)، پیستوئیسه (سری B) و آلیانس (سری C) بگذراند.

مربی

با آویختن کفش‌ها در سال 2003، يك سال بعد و در سن 37 سالگی، آگري مربیگری در تیم آلیانس را که در آن زمان در سری C2 حاضر بود را پذیرفت. او با استفاده از محبوبیت خود توانست تیم را به سری C1 هدایت کرده و پس از گذراندن يك فصل در تیم #171;اسپال» (2004 - 2005) و گروستو (2006 - 2005)، راهی تیم ساسولو در شهر مودنا شود و بتواند این تیم حاضر در سری C1 را در سال 2008 به سری B برساند؛ کاری که او را به شهرت رسانده و سران کالیاری را دوباره به فکر مدافع سابق خویش انداخت.

نکته: سیلیویو برلوسکونی دست به يك ريسک بزرگ زد و سکان هدایت تیم را در فصل 2010 - 2011 به مربی‌ای سپرد که نه سابقه بازی در سطح نخست فوتبال ایتالیا و نه به عنوان مربی چهره شاخصی محسوب می‌شد
وقتی در 29 می 2008، نام وی به عنوان سرمربی جدید تیم دسته اولی کالیاری اعلام شد، بسیاری معتقد بودند که این بدترین انتخاب ممکن بوده و ماسیمو چلینو، مالک 52 ساله باشگاه مرتکب يك ريسک خطرناک شده است. 5 باخت پیاپی در 5 بازی نخست لیگ، فشار مضاعفی را بر دوش چلینو و آگري گذاشت و اهالی سارونی، همگی خواستار اخراج #171;مربی دسته 3» ای بودند، اما اعتماد رئیس سبب شد تا وی تیم را در نیم‌فصل به میانه جدول برساند. برای روحیه دادن بیشتر، چلینو با وی يك قرارداد 2 ساله امضا کرد تا او تیم را در میانه جدول تا پایان فصل حفظ کند. در فصل بعدی (2009 - 2008)، به‌رغم عدم‌برخورداری از بازیکنان شاخص و توانمند، او با ارائه يك فوتبال جذاب و تماشاگرپسند، علاوه بر بازکردن جا در قلب هواداران سارونیایی، توانست برای نخستین بار در تاریخ این باشگاه، آن را به رتبه نهم سری A برساند؛ جایگاهی که تیم او را راهی جام یوفا کرده و جایزه #171;نیمکت طلایی» را که همه ساله به مربی شاخص سری A تعلق می‌گیرد، نصیب وی کند. در فصل بعد هم وقتی او توانست نتایج شاخصی با کالیاری بگیرد، شایسته دریافت مجدد این جایزه بود، هر چند که رقیبی قدرتمند به نام ژوزه مورینیو، آن را از آن خویش کرد.

با خروج آنچلوتی در سال 2009 از میلان و پیوستنش به چلسی، سیلویو برلوسکونی برای فصل بعد، کار را به مربی جوانی سپرد که سابقه بازیگری بزرگی داشت، اما در نخستین گام با روسونری، چندان موفق نبود. لئوناردو، دفاع چپ سابق تیم ملی برزیل و آ.ث. میلان در نخستین گام مربیگری، قافیه را به مورینیوی با تجربه باخت و پس از اینتر (82) و رم (80)، با 70 امتیاز در جایگاه سوم ایستاد. اتفاقی که سال بعد و با «#171 خیانت» وی به لباس میلان، با نرآتزوریها تکرار و این بار دوم شد. قهرمانی رقیب بر مالک میلان سخت گران آمد و کوشید با «#171 تب گواردیولا»، یک کار معجزه‌وار صورت دهد. مشورت با گالیانی سبب شد تا سیلویو برلوسکونی دست به یک ریسک بزرگ زده و سکان هدایت تیم را در فصل 2010-2011 به مربی‌ای بسپارد که نه سابقه بازی در سطح نخست فوتبال ایتالیا و دنیا را داشت و نه به عنوان مربی، چهره شاخصی محسوب می‌شود. به هر تقدیر و با وجود مخالفت‌های بی‌شمار، سرانجام سکان هدایت روسونری به آگري سپرده شد. در گام نخست گالیانی نفر دوم تیم، دست به جذب ستارگان زنده‌ای زد و تلاش کرد دست صاحب نیمکت طلايي را در تیم باز بگذارد؛ روبینیو (منچسترسیتی)، آنتونیو کاسانو (سمپدوریا)، مارک فان بومل (بایرن مونیخ)، نیکولا لگروتالیه (یوونتوس)، کوین پرینس بوآتنگ (جنوا)، سوکراتیس پاپاستاتوپولوس (جنوا) و زلاتان ابراهیموویچ (بارسلونا) از جمله این افراد بودند. بازیکنانی که بخشی در ابتدای فصل و بخشی در بازار زمستانی، سیاه و قرمزپوش شدند تا در درخشش تیم پس از 7 سال همراه باشند.

آگري فصل را آرام، منطقی و پله‌پله آغاز کرد و در پایان توانست کاری را صورت دهد که در باور کسی نمی‌گنجید. روش او بر پایه آرامش، نداشتن غرور بیجا و دادن آزادی عمل کافی به ستارگانی بود که هر کدام برای خود نامی بزرگ بوده و جز پیروزی، با هیچ واژه دیگری آشنا نبودند. آنها وقتی در هفته یازدهم و در 10 نوامبر 2010 توانستند با گل‌های پاتو، ایبرا و روبینیو، پالرمو را 3 بر یک شکست داده و به صدر جدول برسند، تا انتهای لیگ آن را حفظ کرده و سرانجام با تساوی با رم در 7 می 2011 به صورت رسمی، هجدهمین قهرمانی میلان در سری A را رقم زدند. شاید بتوان حذف میلان از لیگ قهرمانان توسط تاتنهاام و شکست در نیمه‌نهایی کوپا ایتالیا برابر پالرمو را به حساب کم‌تجربگی آگري و به نوعی حس اشباع از موفقیت وی گذاشت. اتفاقی که متعصبان میلانی در این فصل به هیچ‌روی آن را برنمی‌تابند.

2012

با شروع فصل جدید، آگري دیگر آن فرد غریبه سال گذشته نبود و میلان می‌خواست با وی، «#171 گواردیولایی» حرکت کند. نخستین گام را آنها با شکست‌دادن اینتر در ورزشگاه ملی پکن و در دیدار سوپر جام ایتالیا انجام دادند که برای مسائل تبلیغاتی در خاور دور برگزار می‌شد. با رفتن پیرلو به یوونتوس که مهم‌ترین اتفاق نقل و انتقالات میلان در تابستان بود، آگري تلاش کرد تا تیم را کمی جمع و جور کرده و در همان ابتدای کار با قدرت آغاز کند، اما حضور در جایگاه سیزدهم جدول در پایان هفته ششم زنگ خطری بود که برای سران روسونری به صدا درآمد. برکناری برلوسکونی از پست نخست‌وزیری ایتالیا و به تزلزل افتادن موقعیت وی در میلان، کار آگري را که تنها حامی‌اش را در حال نابودی می‌دید، کمی با دشواری روبه‌رو می‌ساخت، اما جهش چشمگیر تیم از هفته هفتم به بعد سبب شد تا آنها در هفته شانزدهم و برای نخستین بار در این فصل (به‌رغم هم امتیازی با یووه و به لطف گل‌زده بیشتر) در صدر جدول سری A جا بگیرند. اتفاقی که نوید یک قهرمانی دیگر را به هواداران می‌دهد، اما آنها در این راه حریفی را در مقابل می‌بینند که به هیچ‌روی اهل پا پس‌کشیدن نیست.

علی پاکیان / جام‌جم